

Investigation, Identification, and Preventive Conservation in Archaeological Excavations: The Historical Site of Kahnek, Sarbisheh, South Khorasan

Mohammad Farjami*¹, Hamzeh Hamzeh², Ali Asghar Mahmoudi-Nasab³

1. Expert, General Directorate of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts, South Khorasan, Birjand, Iran.

2. Expert, General Directorate of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts, South Khorasan, Birjand, Iran.

3. PhD in Archaeology, Independent Researcher, Iran.

Abstract

Archaeological excavations at historical sites are conducted to enhance our understanding of the past, shedding light on the lives of ancient communities across various regions and periods. South Khorasan, and eastern Iran in general, have been relatively understudied in terms of archaeology, making them among the lesser-known regions of Iran. Recent surveys and excavations in this area have provided highly valuable data for the archaeological community. This study focuses on the conservation of movable and immovable cultural artifacts during archaeological excavations at the historical site of Kahnek, located in Sarbisheh, South Khorasan Province. Four seasons of archaeological excavations were conducted at this site from 2013 to 2016, revealing evidence and cultural materials dating back to the early Islamic centuries through the Safavid period. The site contains two types of artifacts: movable objects, which must be handled separately from architectural remains, and architectural features and associated decorations, which must remain in situ and undergo conservation at the site. Activities such as structural reinforcement, preservation of in-situ remains, and site cleaning have been carried out. These measures aim to implement preventive conservation and mitigate any activities that could damage the site or diminish its historical and cultural significance. This research introduces the historical site and its cultural findings, offering recommendations for preventive conservation during excavations. The research methodology includes library studies, field and regional surveys, analysis of excavation data, and proposals for the temporary conservation of movable and immovable cultural artifacts.

Keywords: Preventive conservation, Movable and immovable artifacts, Archaeological excavation, South Khorasan, Kahnek Sarbisheh.



Knowledge and
Conservation Restoration

Special Issue. No.1
September 2019
Pages 9-23

<https://journal.richt.ir/kcr>

Corresponding Author

Mohammad Farjami

Email

farjamimohamma@ut.ac.ir

Copyright © 2020, Knowledge of Conservation and Restoration. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution noncommercial 4.0. International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

بررسی، شناخت و حفاظت پیشگیرانه در کاوش باستان‌شناسی محوطه تاریخی کهنک سریشده، خراسان جنوبی

محمد فرجامی^۱، حمزه حمزه^۲، علی اصغر محمودی نسب^۳

۱. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، بیرجند، ایران
۲. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، بیرجند، ایران
۳. دکتری باستان‌شناسی، پژوهشگر آزاد.

چکیده

کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی برای کمک به شناخت گذشته به کار گرفته می‌شود و این کاوش‌ها پرده از اسرار زندگی گذشتگان در نواحی و دوره‌های مختلف برمی‌دارند. جنوب خراسان و به‌طورکلی شرق ایران، کمتر مورد مطالعه باستان‌شناسی قرار گرفته و از این لحاظ یکی از مناطق کمتر شناخته‌شده ایران به حساب می‌آید. بررسی‌ها و کاوش‌هایی که در سال‌های اخیر در این منطقه صورت گرفته، داده‌های بسیار ارزشمندی را به جامعه باستان‌شناسی معرفی نموده است. موضوع این پژوهش، حفاظت از داده‌های منقول و غیرمنقول فرهنگی در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه تاریخی کهنک سریشده، واقع در استان خراسان جنوبی است. چهارفصل کاوش باستان‌شناسی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵خ در این محوطه انجام شده که بر اساس شواهد و مواد فرهنگی به دست آمده، پیشینه آن به سده‌های نخستین اسلامی تا دوره صفوی برمی‌گردد. در این محوطه با دو گونه آثار روبرو هستیم؛ یکی آثار قابل حمل یا اشیائی که بایستی جدای از آثار معماری و بقایای محوطه با آن برخورد شود و دیگر آثار معماری و تزیینات وابسته به آن که الزاماً همراه با بقایای محوطه در جای خود باقی‌مانده و می‌باید در همان‌جا عملیات حفاظت آن انجام شود. استحکام‌بخشی، حفظ بقایای برجای‌مانده در مکان کاوش و پاک‌سازی محل از زمره فعالیت‌های انجام‌شده در این محوطه است. این اقدامات به منظور حفاظت پیشگیرانه و جلوگیری از هر نوع فعالیتی که به محوطه آسیب برساند یا از ارزش و اهمیت تاریخی- فرهنگی آن‌ها بکاهد، صورت گرفته است. در این پژوهش محوطه تاریخی و یافته‌های فرهنگی آن معرفی و در خصوص حفاظت پیشگیرانه در کاوش راهکارهایی ارائه می‌دهد. روش تحقیق در این پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بررسی‌های میدانی و منطقه‌ای؛ تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از کاوش و ارائه پیشنهادهایی در خصوص حفاظت موقت از داده‌های فرهنگی منقول و غیرمنقول خواهد بود.



فصلنامه دانش حفاظت و مرمت
نیزه‌نامه: شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸
۲۳-۹

<https://journal.richt.ir/kcr>

نویسنده مسئول
محمد فرجامی

رایانامه
farjamimohamma@ut.ac.ir

واژگان کلیدی: حفاظت پیشگیرانه، اموال منقول و غیرمنقول، کاوش باستان‌شناسی، خراسان جنوبی، کهنک سریشده.

مقاله منتخب دهمین همایش دوسالانه حفاظت و مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی و تزیینات وابسته به معماری دسترسی به این مقاله برای همگان آزاد است. هرگونه استفاده غیرتجاری از آن در صورت ارجاع مناسب، مجاز شناخته می‌شود.

مقدمه

اصولاً هدف از علم باستان‌شناسی، شناسایی فرهنگ‌های باستانی و کهن از طریق کاوش‌های علمی در محوطه‌های استقرار است. مشخص کردن نوع معماری و مصالح مورداستفاده در ساخت بنا، نوع تدفین موجود در محل، نوع اقتصاد معیشتی، مذهب و آداب و رسوم و بسیاری موارد دیگر در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی آشکار می‌گردد. اما شناخت دوره یا دوره‌هایی که این استقرار در آن صورت گرفته از راه‌های گوناگونی چون بررسی و آزمایش با استفاده از روش کربن ۱۴ (C14)، بررسی سفال، بررسی مصالح و فرم بناها صورت می‌پذیرد. بررسی علمی سفال‌ها به‌عنوان الفبای باستان‌شناسی یکی از راه‌های مهم شناخت دوره استقرار در هر محوطه باستانی به شمار می‌رود که در این تحقیق بیشتر بر روی این ماده فرهنگی تأکید شده است. از طرفی مستندسازی شواهد گذشته و حفاظت و مرمت این یافته‌ها بخش مهمی از برنامه کاوش باستان‌شناسی محسوب می‌شود. یکی از مسائل مهم در محوطه باستان‌شناسی کاهش اثرات تخریبی محیط بر آثار است. شناخت شرایط محیطی و فرهنگی حاکم بر محوطه کاوش، خصوصیات مواد و مصالح سازنده اثر، چگونگی تولید و کاربرد و همچنین نحوه تخریب و آسیب‌دیدگی آن‌ها از جمله موارد مهم در برنامه حفاظت محوطه مورد کاوش محسوب می‌شود. شرایط محیطی مانند رطوبت نسبی، دما، نور خورشید از هنگامی که اولین کنگ برای خاک‌برداری بر زمین زده می‌شود و کاوش آغاز می‌شود بر میزان استحکام بخشی آثاری که از زمین خارج می‌شوند تأثیر دارد و همین‌طور می‌تواند منجر به بروز فعالیت‌های خوردگی، تخریب و فساد در مواد شود. به همین جهت بررسی شرایط خاص اقلیمی و زیست‌محیطی در طرح‌های بلندمدت کاوش و پیش‌بینی نیازهای حفاظتی و مرمتی در شرایط اضطراری که بر اثر تغییرات محیطی در طی زمان کاوش روی می‌دهد ضروری است (مجیدی، ۱۳۸۸).

پیشینه تحقیق

راجع به محوطه کهنک، یک پرونده ثبتی در دی‌ماه ۱۳۸۱ توسط میراث فرهنگی بیرجند تهیه شده و اثر در تاریخ ۱۳۸۲/۰۳/۱۰ با شماره ۸۹۴۱ در فهرست میراث ملی به ثبت رسید (نصرآبادی، ۱۳۸۱). در سال ۱۳۸۵ در اثر تخریب قسمتی از محوطه توسط اداره راه، برنامه گمانه‌زنی به‌منظور تعیین حریم محدوده به‌منظور جلوگیری از تخریب بیشتر محوطه به سرپرستی علیرضا نصرآبادی به انجام رسید (نصرآبادی، ۱۳۸۵). اولین فصل کاوش آموزشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند در محوطه باستانی کهنک سربیشه به سرپرستی علی زارعی از سال ۱۳۹۲ آغاز شد. با توجه به اینکه بیشترین سفال‌های به‌دست‌آمده مربوط به دوره ایلخانی است شاید بتوان تصور نمود، محوطه کهنک در طی این دوره از رونق و آبادانی بیشتری برخوردار بوده (زارعی، ۱۳۹۳). از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ سه فصل کاوش دیگر در این محوطه به سرپرستی محمد فرجامی با همکاری دانشگاه بیرجند جهت کارآموزی دانشجویان انجام گرفته است. از جمله پژوهش‌های تألیفی انجام‌شده در این محوطه، گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سربیشه (فرجامی و محمودی‌نسب، ۱۳۹۴) و برونداد اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه کهنک سربیشه در دومین همایش ملی باستان‌شناسی (زارعی ۱۳۹۴) اشاره کرد.

قلمرو و محدوده تحقیق

محوطه کهنک در بخش مرکزی شهرستان سربیشه، دهستان مومن‌آباد و شرق روستای کهنک واقع شده است (شکل ۱). این محوطه در ۵۰ متری شرق روستای کهنک و به فاصله ۲۰۰ متری غرب جاده‌ی آسفالت‌ه‌ی بیرجند-زاهدان واقع شده و دسترسی به این محوطه از طریق جاده خاکی روستای کهنک و از داخل روستا به سمت شرق امکان‌پذیر است (شکل ۳). روستای کهنک در فاصله ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی مرکز استان خراسان جنوبی و پنج کیلومتری جنوب شرق شهر سربیشه و در مجاورت روستای سلم‌آباد (جنوب) و به فاصله یک کیلومتری از آن واقع شده است (شکل ۴ و ۵). این محوطه در دامن غربی رشته‌کوه‌های کم ارتفاع چنگ‌کله و کله کوه (شکل ۲)، شمال شرقی دشت سلم‌آباد و کهنک و در شرق روستای کهنک در دشتی نسبت مرتفع واقع شده و کوه‌های بهاباد، آتشکده و سه کوه در جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب به فاصله تقریبی ۱۰ کیلومتری این محوطه است (شکل ۴). قنات روستای کهنک به فاصله ۷۰ متری محوطه قرار دارد. لازم به ذکر است که در سمت غربی محوطه رودخانه فصلی (رودخانه سلم‌آباد) واقع شده که در امتداد شمال شرقی به جنوب غربی امتداد دارد (شکل ۵).

روند کاوش در محدوده مورد مطالعه

در فصل سوم کاوش محوطه کهنک در زمستان ۱۳۹۴ خ، گمانه‌ای به ابعاد ۱۰×۵ متر در قسمت شمالی فضای موسوم به قلعه ایجاد شد (شکل ۸) و با انجام روند کاوش با توجه به محدود بودن فضای گمانه و ناهمواری سطح محدوده در شناسایی فضای معماری، از جهت عرضی گمانه (شمالی - جنوبی) سه متر دیگر اضافه شد (۱۰×۸ متر) و با اتمام کاوش حدود ۴۵ کانتکست از این گمانه شناسایی شد و تا

عمق ۲/۵۵ متر نسبت به نقطه ثابت (B.M) کاوش انجام شد (شکل ۷ و ۸ و ۹). یکی از موارد اصلی قبل از شروع کاوش این بود که فضای قلعه کهنک طی چند دهه اخیر بر اثر تخریب‌های انسانی و با استفاده از ماشین‌آلات راه‌سازی سطح محوطه خاک‌برداری گردیده و در بعضی قسمت‌ها خاک‌های جمع‌آوری شده در یک نقطه انباشته شده بود که این خود باعث تخریب بعضی از فضاهای معماری گردیده است.

با انجام روند کاوش در گمانه، بقایای معماری چند اجاق و یک فضای معماری که فقط یک رج از دیواره آن باقی مانده بود، مشخص شد (شکل ۱۳ و ۱۴). مصالح مورد استفاده برای این فضاها لاشه‌سنگ‌هایی از جنس آندزیت و ملاط گل بوده که سنگ‌های مورد بحث از محیط پیرامونی محوطه جمع‌آوری و جهت ساخت فضاهای معماری استفاده شده است. بعد از ثبت و برداشت فضاهای مورد کاوش، اندازه گمانه سه متر به سمت جنوب جهت شناسایی معماری قلعه افزایش داده شد که دیواری چینه‌ای و خشتی که در ارتباط با سازه اصلی برج بود، مشخص شد (شکل‌های ۸، ۹ و ۱۰). با توجه به شواهد موجود و آثار فرهنگی به دست آمده از این قسمت ما شاهد سه فاز معماری هستیم، فاز اول که مربوط به استقرار موقت مربوط به عشاير منطقه بوده، فاز دوم مربوط به دوره تیموری و آغاز صفوی و فاز سوم مربوط به سده‌های نخستین اسلامی و میانی اسلامی است، قابل ذکر است که بقیه سازه‌های ضلع شمالی و شمال شرقی بیشتر سازه‌های سنگی بوده و سازه‌های خشتی و چینه‌ای بیشتر در مرکز گمانه و نیمه جنوبی آن به دست آمده است (شکل ۸). اما چه شده که فضاهای موجود تخریب گشته و طی چند مرحله ساخت و ساز انجام شده می‌توان سه نظریه مطرح کرد:

دلیل اول: اینکه احتمال تخریب بنا بر اثر زلزله را در زمانی می‌توان اثبات نمود که تمام دیواره‌های پی بنا در سطح گمانه حفاری و مشخص شود. زیرا تأثیر لرزه‌های زلزله بر دیواره‌های یک بنا را می‌توان از ایجاد ترک‌ها در پی، ستون و سقف تشخیص داد.

دلیل دوم: به دست آمدن داده‌های باستانی خاص مانند وسایل زندگی و حتی شکل قرار گرفتن آن‌ها که فرصت خارج کردن را به ساکنین نمی‌دهد. از طرفی زلزله به صورت خفیف در چند نوبت بنا را تخریب کرده است. این دلیل را می‌توان از سوابق تاریخی متأخر کشف نمود.

دلیل سوم: عدم جابه‌جایی سنگ‌چین‌های دیواره زمین‌های کشاورزی در حال حاضر هم مشاهده می‌شود. این احتمال را باید با بررسی، بیشتر به عنوان یک فرضیه در متروکه شدن محوطه در نظر داشته باشیم. اگرچه خشک‌سالی پی‌درپی و خشک‌شدن چاه و قنات و بسیاری سوالات دیگر را نیز می‌توان در نظر گرفت. لذا جهت مشخص شدن وضعیت معماری و داده‌های این دوره باید مدت زمان کاوش طولانی‌تری برای خواناسازی شواهد معماری در نظر گرفت تا با اطمینان بیشتری بتوان در مورد فضاهای قلعه نظر داد.

بررسی یافته‌های فرهنگی محوطه مورد مطالعه

داده‌های فرهنگی به دست آمده از گمانه تا پائین‌ترین عمق، عمدتاً سفال است، قطعات سفالی مربوط به سده‌های نخستین اسلامی تا قرن نهم هجری قمری را شامل می‌شود (شکل ۱۲). همچنین قطعات شیشه که به صورت مفتولی (احتمالاً دستبند)، قطعات شکسته ظروف سنگی از جنس سنگ صابون (کلریت) و همین‌طور استخوان‌های حیوانی، مهره، چوب و فلز نیز یافت شد (شکل ۱۵ و ۱۹ و ۲۰). قطعات آجر با قطر پنج سانتی‌متر، تعدادی پاشنه‌ی در، که از آجر ساخته شده، قطعات گچ و آهک که در ارتباط با ساخت فضاهای معماری بوده نیز از بخش‌های مختلف گمانه به دست آمد (شکل ۱۳ و ۲۱). با این وجود، حجم زیادی از داده‌های فرهنگی، مربوط به سفال است (شکل ۲۲). در این فصل کاوش، ۱۳۵۶ قطعه سفال شماره‌گذاری شد که از این تعداد ۱۸۵ قطعه مربوط به لبه، ۹۷۱ قطعه مربوط به بدنه، ۱۴۱ قطعه مربوط به کف، ۳۹ قطعه مربوط به دسته، ۱۸ قطعه مربوط به درپوش و دو قطعه مربوط به لوله ظروف بوده است (نمودار ۱ و ۲). علاوه بر قطعات سفالی ذکر شده، یک ظرف لعاب‌دار فیروزه‌ای (شکل ۲۰) و دو پیاله نسبتاً سالم و یک درپوش ظرف سفالی از این فصل کاوش به دست آمده است.

سفال‌های این محوطه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

دسته اول: سفال‌های دست‌ساز، (نمودار ۴) با پخت کم (نمودار ۵) و خمیره‌ای به رنگ قهوه‌ای، قرمز و نخودی که گاهی در اثر پخت ناکافی به رنگ خاکستری متمایل به سیاه است. با توجه به آزمایش‌های پتروگرافی صورت گرفته بر روی یک نمونه از این سفالینه‌ها، دلیل رنگ قرمز، درصد بالایی از اکسید آهن است. پوشش سطح درونی و بیرونی به دلیل فرسایش شدید دقیقاً مشخص نیست ولی در بعضی نمونه‌ها پوشش گلی غلیظ و رقیق (نمودار ۹) به رنگ‌های نخودی، قرمز، قهوه‌ای، سبز و نارنجی مشهود است. سطح درونی و بیرونی این دسته سفال‌ها، عمدتاً به رنگ قرمز و نخودی است (نمودار ۳). کیفیت ساخت تا حدودی خشن است. به‌طور کلی این سفال‌ها از کیفیت ساخت خوبی برخوردار نیستند. آمیزه این سفال‌ها اکثراً معدنی و در بعضی موارد به صورت محدود به صورت کانی و ترکیبی نیز استفاده شده است (نمودار ۶). با توجه به شکل و روش ساخت این دسته از سفال‌ها و اینکه عمدتاً به همراه داده‌ها و سفالینه‌های سده‌های میانی اسلامی به دست آمده‌اند، می‌بایست از لحاظ قدمت متعلق به سده‌های میانی تا قرن نهم هجری باشند. این سفالینه‌ها با توجه به قرارگیری در بافت با

سفال‌های لعاب‌دار تاریخ‌گذاری می‌شوند. این سفال را به‌عنوان سفال خاص سده‌های میانه اسلامی و دوره سلجوقی می‌توان متعلق به منطقه جنوب خراسان دانست که در بیشتر محوطه‌های سده‌های میانی اسلامی جنوب خراسان به‌دست‌آمده‌اند و البته در سایر مناطق ایران هم این‌گونه سفالی دیده‌شده است.

دسته دوم: سفال‌های عمدتاً چرخ‌ساز (نمودار ۴)، با پخت کافی (نمودار ۵) که خمیره آن‌ها اکثراً به رنگ نخودی، قرمز و قهوه‌ای است. کیفیت ساخت این سفال‌ها نسبت خوب است. آمیزه این دسته از سفال‌ها (نمودار ۶)، معدنی و از لحاظ تزئین به دو دسته لعاب‌دار و بی‌لعاب تقسیم می‌شوند. ظروف بی‌لعاب بیشتر با پوشش گلی (نمودار ۹) به رنگ نخودی و قرمز، قهوه‌ای و گاه خاکستری و سبز پوشش داده شده و در بعضی از موارد با نقوش کنده (خطوط موازی و موجی)، نقوش فشاری، نقوش قالب‌زده و در چند مورد نقاشی با گل اخری بر روی سطح سفال تزئین شده‌اند قطعات لعاب‌دار به دو گروه سفال تک‌رنگ (این قطعات بیشتر مربوط به دوره سلجوقی است) و نقاشی زیرلعاب و روی لعاب (این قطعات مربوط به سده‌های نخستین اسلامی است) تقسیم می‌شود (نمودار ۷ و ۸). که در نمونه دوم بعضی از قطعات در داخل و بیرون سفال نقاشی دارد. با توجه به اینکه نمونه‌های یافت شده، اندازه کوچکی دارند؛ نقش آن‌ها دقیقاً مشخص نیست. رنگ‌های مورد استفاده برای لعاب دادن این ظروف، آبی، زرد، قهوه‌ای، مشکی، سفید شیری، سبز و غیره است. به‌طور کلی این گروه از سفالینه‌ها از سده‌های نخستین اسلامی تا قرن نهم هجری قمری را در بر می‌گیرد.

علاوه بر قطعات سفالی، آثار شاخصی از جمله یک سنجاق سر از جنس مس اشاره کرد که قسمت انتهایی آن تندیس یک پرنده است. این سنجاق سر به طول ۱۳ سانتی‌متر و قطر ۱۷ میلی‌متر است (شکل ۱۶). این شی پس از مستندنگاری در آزمایشگاه اداره کل میراث فرهنگی خراسان جنوبی مورد پاک‌سازی و استحکام‌بخشی قرار گرفت. همچنین قطعات شیشه که در بین این قطعات، یک قطعه مربوط به دستبند و یک قطعه دیگر نیز مربوط به ظرفی است که به‌صورت قالبی ساخته شده است. یک آویز از جنس سنگ فیروزه، یک عدد مهره از جنس سنگ صابون با نقوش هندسی، چند عدد مهره سفالی که با لعاب فیروزه‌ای ساخته شده و یک قطعه عاج تراش داده شده مثلثی شکل که احتمالاً کاربرد تعویذ داشته با نقوش دایره‌ای شکل که قسمت بیرونی آن نیز در سه ضلع به‌صورت نیم‌دایره تراش خورده و همچنین آثار فلزی (میخ و بست) در ارتباط با چفت و بست وسایل چوبی و سر نیزه از جنس مس و آهن می‌توان اشاره کرد (شکل ۱۷ و ۱۸).

حفاظت پیشگیرانه در کاوش باستان‌شناسی

باستان‌شناسان و حفاظت‌گران آگاه‌اند هر نوع شی‌ای که به هر دلیل در دل خاک جای گرفته به تدریج از خود عکس‌العمل‌هایی را بروز خواهد داد، چراکه این اشیاء اصولاً برای تجربه کردن چنین شرایطی ساخته نشده‌اند. این آثار خواه ناخواه در ارتباط با محیط جدید خود اعم از این‌که از یک ماده آلی یا یک ماده معدنی ساخته شده باشند، دچار تغییراتی خواهند شد. این دگرگونی‌ها می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر رنگ، وزن و اندازه آثار بگذارد که در اکثر مواقع به نابودی کامل اثر منجر می‌شود. با این وجود در مواردی، تغییرات حاصله باعث می‌گردد تا شی بتواند بار دیگر با رسیدن به مرحله تازه‌ای از پایداری از خطر انهدام نجات یابد در این موقع است که می‌گویند شی به توازن جدیدی با محیط خود دست یافته است. حال اگر این شی را از طریق حفاری از محیط خود خارج نمایند بار دیگر آن را در محیط جدیدی قرار داده‌ایم که دارای چنین خصوصیتی است. این عوامل در مجموع می‌توانند موجبات مخدوش شدن آثار را فراهم نمایند و در صورتی که فعل و انفعالات شیمیایی به نحوی تسریع گردد، آثار حفاری شده در عرض چند ساعت به‌طور کامل از میان خواهند رفت (استنلی‌پرایس، ۱۳۷۷: ص ۳۶). لذا حفاظت پیشگیرانه به‌عنوان یکی از اصول مهم در تمامی مراحل حفاری می‌بایست مدنظر باستان‌شناسان و حفاظت‌گران باشد. اتخاذ تصمیمات پیشگیرانه توسط باستان‌شناسان مهم‌ترین سازوکار در امر حفاظت آثار و اشیاء باستانی در یک محوطه تاریخی در حین کاوش به شمار می‌آید.

موضوع حفاظت پیشگیرانه در ایران مبحثی جدیدی است که سعی دارد با به‌کارگیری نظامات علمی، اجرایی، اداری و اجتماعی نگرش جدید در بهینه‌سازی مجموعه‌ها، محوطه‌ها، ابنیه و موزه‌ها ایجاد نماید و امر حفاظت را توسعه داده و تخصص‌های دیگر را در جهت حفاظت بهینه از آثار و اموال تاریخی-فرهنگی هدایت نماید.

اهداف اصلی حفاظت پیشگیرانه در محوطه‌های تحت کاوش، اجتناب، پیشگیری و کاستن از تأثیر عوامل مخرب و آسیب‌رسان بر داده‌های فرهنگی منقول و غیرمنقول است؛ به‌بیان‌دیگر کلیه تمهیداتی که برای افزایش طول عمر و آسیب کمتر به آثار اندیشیده می‌شود، جزو راهبردهای حفاظت پیشگیرانه در محوطه تحت کاوش محسوب می‌شود (فدایی، ۱۳۹۴). در حفاظت پیشگیرانه بایست تمامی ملاحظات مربوط به نگهداری مواد فرهنگی بدون مداخله در ساختار یا فرم فیزیکی اثر انجام گردد و برخلاف حفاظت مستقیم (همراه با مداخله)، در حفاظت پیشگیرانه هیچ نوع قرائت خاص بر اثر تحمیل نمی‌شود و هدف تنها نگهداشت اثر در وضع شیمیایی و فیزیکی موجود آن است (وحیدزاده، ۱۳۹۴). در محوطه‌های باستانی قبل، حین و بعد از حفاری مباحث حفاظت پیشگیرانه می‌بایست مورد توجه جدی باستان‌شناسان

قرار گیرد. قبل از آغاز کاوش در محوطه تاریخی باید آمادگی رویارویی با شرایط اضطرار تدارک دیده شود. لذا برنامه‌ریزی برای مدیریت بحران و مدیریت شرایط محیطی از مهم‌ترین اموری است که حفاظت‌گران و مرمت‌گران در صحنه کاوش همیشه می‌بایست مدنظر داشته باشند. حفاظت‌گران باید شرایط مناسب محیطی، بسته‌بندی، حمل و نقل و جابه‌جایی داده‌های فرهنگی منقول که از کاوش به دست می‌آید را فراهم آورند و نسبت به ارائه دستورالعمل‌های شیوه‌نگهداری و انبارش این داده‌ها، به باستان‌شناسان حاضر در محل کاوش، راه‌کارهای عملی ارائه دهند (حمزه، حمزه. ۱۳۸۵)؛ البته حفاظت از داده‌های فرهنگی غیرمنقول که بخشی از یافته‌های کاوش است نیز نبایست نادیده گرفته شود. تمامی این اقدامات به‌منظور حفاظت پیشگیرانه انجام می‌شود تا این یافته‌ها کمترین آسیب را متحمل شوند. در برنامه حفاظت پیشگیرانه در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی، شناسایی عوامل آسیب‌رسان بیرونی از طریق پایش محیطی می‌بایست انجام شود. در مرحله بعد پس از انتقال به آزمایشگاه، نسبت به شناسایی و تعیین عوامل مخرب درونی یافته‌های حاصل از کاوش از طریق مطالعات آزمایشگاهی صورت گرفته و پس از تشخیص دقیق عوامل آسیب‌رسان نسبت به ارائه روش درمان صحیح اقدام شود.

در فصل سوم حفاری در محوطه کهنک سربیشه ضمن رعایت نکات فوق، یافته‌های فرهنگی منقول و غیرمنقول در حین و بعد از کاوش مورد حفاظت و مرمت قرار گرفتند. داده‌های فرهنگی منقول پس از مستندنگاری، شماره‌گذاری و ثبت به بخش پژوهش میراث فرهنگی و آزمایشگاه مرمت جهت بررسی بیشتر منتقل شدند. داده‌های غیرمنقول به‌منظور حفاظت در برابر عوامل فرساینده محیطی، در پایان حفاری دفن شدند. با توجه به اینکه در فصول آینده کار ادامه خواهد یافت، پیشنهاد گردید قبل از دفن به‌منظور حفاظت یافته‌های معماری از آسیب‌های ناشی از نفوذ رطوبت در فصل بارندگی، کل گمانه با لایه‌ای از پلاستیک ضخیم پوشانده شود (شکل ۲۳، ۲۴ و ۲۵).

نتیجه‌گیری

در چارچوب برنامه حفاظت پیشگیرانه در محوطه مورد کاوش، موارد زیر به‌عنوان نتیجه این پژوهش ارائه می‌شود:

- ۱- برآورد هزینه‌های مربوط به حفظ و مرمت یافته‌ها و بقایا در زمان کاوش و پس از آن برای اتخاذ تصمیم‌های مرمتی بر اساس بودجه تعیین شده، نخستین گام در اجرای یک برنامه‌ریزی درست و اصولی است که می‌بایست توسط سرپرست هیئت باستان‌شناسی محوطه انجام شود.

- ۲- شرایط اقلیمی و فرهنگی محوطه کاوش شده، مورد پایش قرار گیرد. این اقدام، ضمن اینکه در اتخاذ روش درست حفظ، مرمت و درمان یافته‌ها کمک خواهد کرد، از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری می‌نماید.

- ۳- طبقه‌بندی آثار محوطه مورد کاوش، بر اساس اولویت‌های مرمتی و حفاظتی انجام شود. در این صورت اشیایی که برتری دارند در اولویت درمان قرار خواهند گرفت.

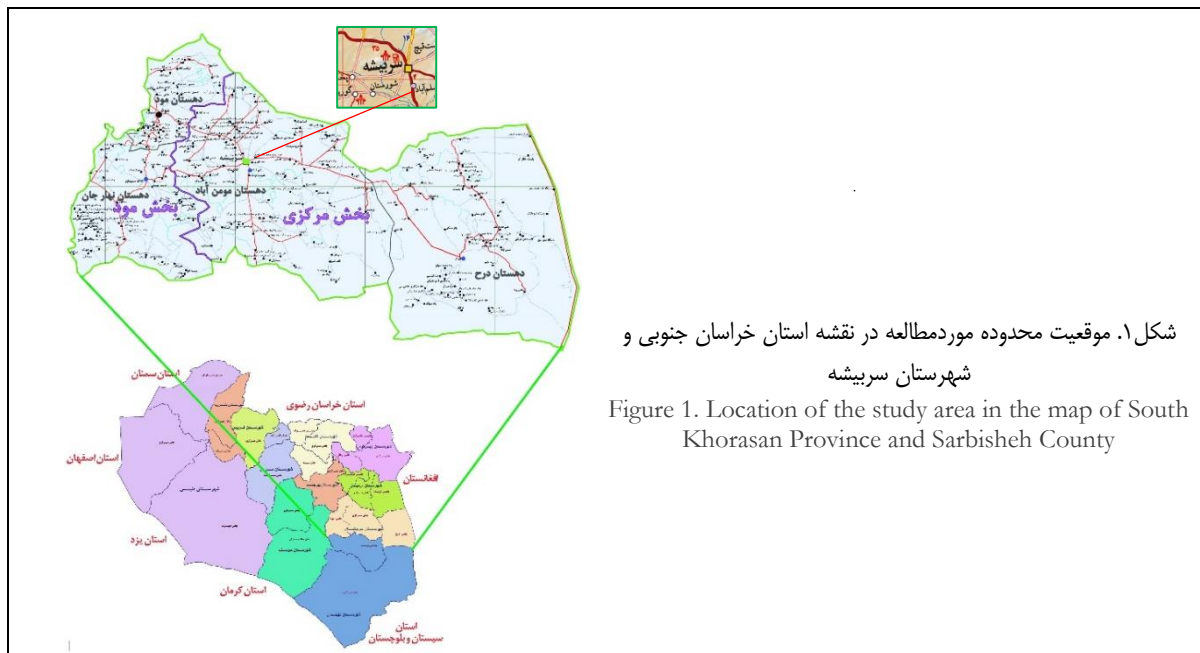
- ۴- مستندنگاری، پاک‌سازی، استحکام‌بخشی و تثبیت در حین عملیات میدانی و همچنین پژوهش و تحقیق در زمینه نحوه حفاظت آثار و محوطه کاوش از مهم‌ترین فعالیت‌های پس از کاوش است که بایست در خصوص آن برنامه‌ریزی دقیقی انجام داد.

- ۵- برقراری رابطه مناسب بین حوزه‌های باستان‌شناسی، حفظ و احیا، مرمت و حوزه‌های تصمیم‌گیری سازمانی مهم‌ترین راهکار برای کاهش مشکلات حفاظت آثار در محوطه مورد کاوش خواهد بود است.

منابع

- استنلی پرایس، نیکلاس (۱۳۷۷). حفاظت و مرمت در کاوش‌های باستان‌شناسی. ترجمه میرمحسن موسوی. تهران: دانشگاه هنر.
- حمزه، حمزه (۱۳۸۵). سامان‌دهی، طبقه‌بندی و اولویت‌های حفاظتی در مخزن آثار گنجینه میراث فرهنگی زنجان. استاد راهنما: دکتر رسول وطن‌دوست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت اشیاء. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- زارعی، علی (۱۳۹۲). گزارش اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه کهنک سربیشه. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان جنوبی.
- زارعی، علی (۱۳۹۴). برونداد اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه کهنک سربیشه. دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، چاپ اول، بیرجند: چهار درخت.
- فدایی، حمید (۱۳۹۴). جزوه کارگاه آموزشی حفاظت پیشگیرانه. پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی فرهنگی.
- فرجامی، محمد و محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۳). گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سربیشه. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان جنوبی.

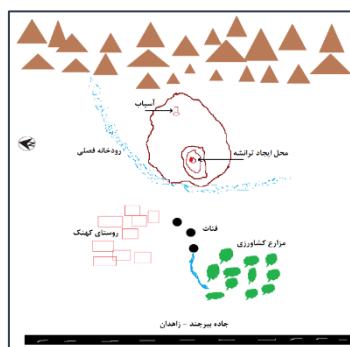
- فرجامی، محمد؛ محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۴). گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه. دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، چاپ اول، بیرجند: چهار درخت.
- فرجامی، محمد و محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۳۹۴). گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سریشه. بیرجند: بایگانی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان جنوبی.
- مجیدی فریبا (۱۳۸۹). مدیریت و برنامه‌ریزی برای حفظ و مرمت در کاوش‌های باستان‌شناسی. دانش مرمت و میراث فرهنگی. سال پنجم. شماره ۴. صص. ۳۱-۱۳.
- نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۱). گزارش پیشنهاد ثبت اثر تاریخی بقایای محوطه باستانی کهنج(کهنک)، بیرجند: بایگانی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان جنوبی.
- نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۵). گزارش گمانه‌زنی و تعیین حریم تپه تاریخی کهنک سریشه، بیرجند: بایگانی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان خراسان جنوبی.
- وحیدزاده، رضا (۱۳۹۴). جزوه کارگاه آموزشی حفاظت پیشگیرانه. پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی فرهنگی.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در نقشه استان خراسان جنوبی و شهرستان سریشه
Figure 1. Location of the study area in the map of South Khorasan Province and Sarbisheh County



شکل ۲. دید کلی محوطه نسبت به رشته کوه چنگ کله و کله کوه
Figure 2. General view of the site in relation to the Chang kalleh and Kalle kuh mountain ranges



شکل ۵. کروکی محوطه کهنک و عوارض مجاور آن
Figure 5: Sketch map of the Kahnek site and its surrounding features



شکل ۳. موقعیت محوطه کهنک نسبت به روستا
Figure 3: Location of the Kahnek site in relation to the village



شکل ۶. وضعیت گمانه قبل از کاوش
Figure 6: Condition of the trench before excavation



شکل ۴. موقعیت محوطه نسبت به اطراف در تصویر ماهواره‌ای
Figure 4. Location of the site in relation to its surroundings in the satellite image

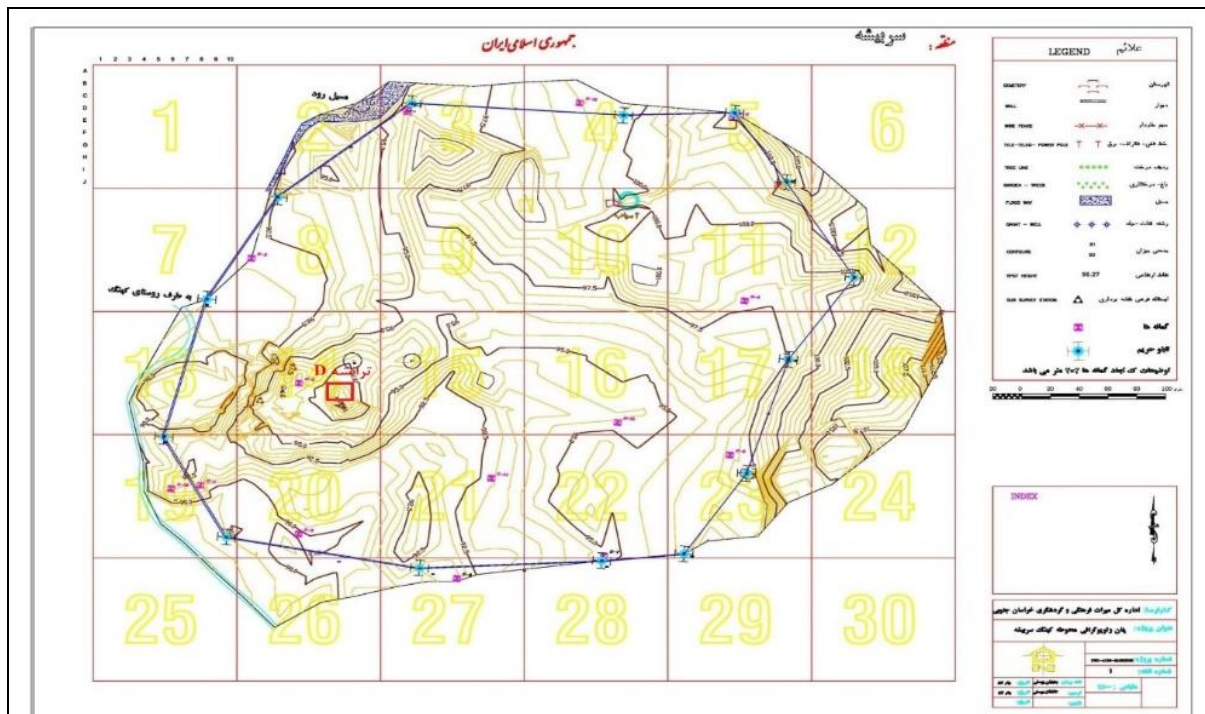


Figure 7. Topography of the Kahnek site

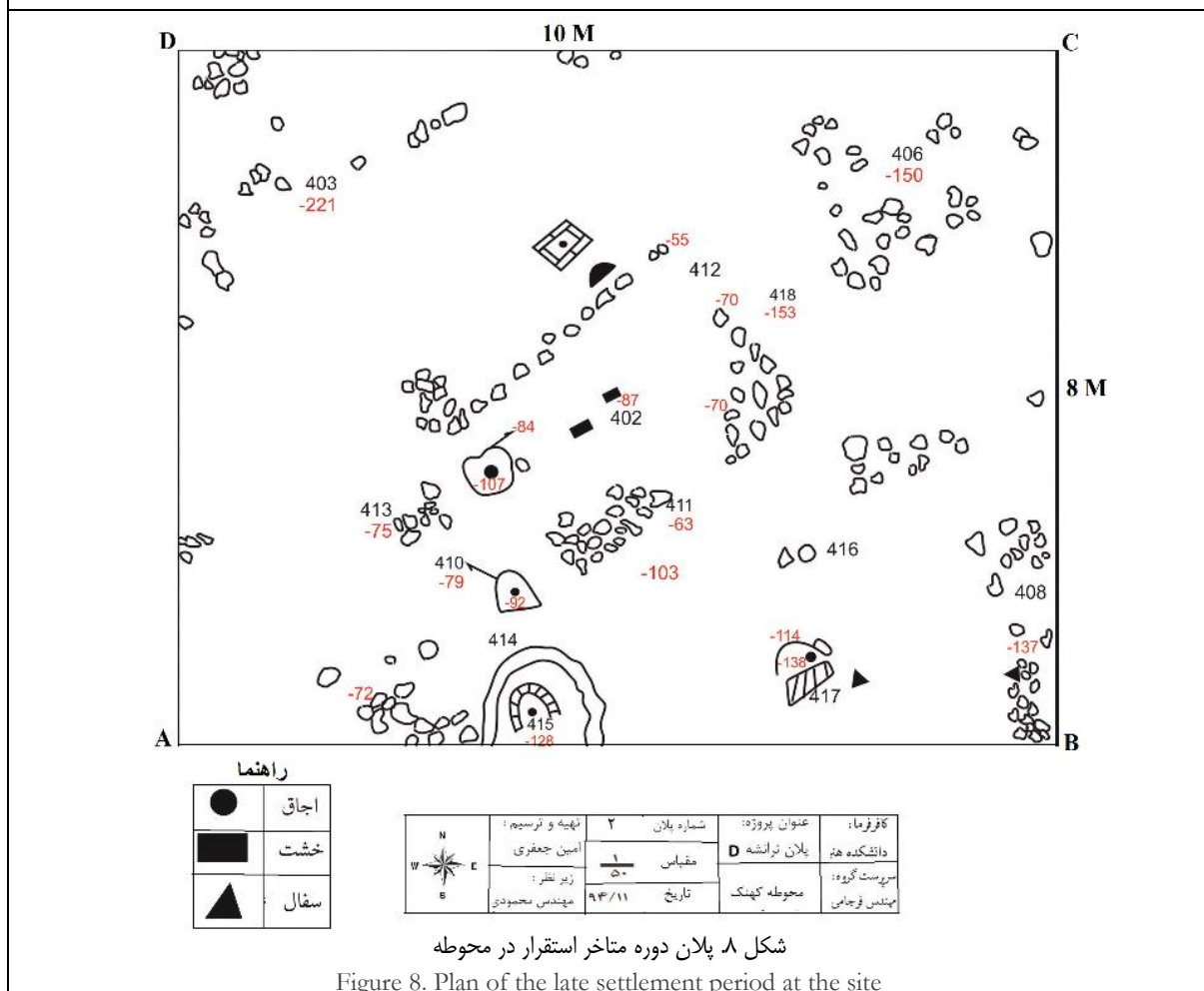
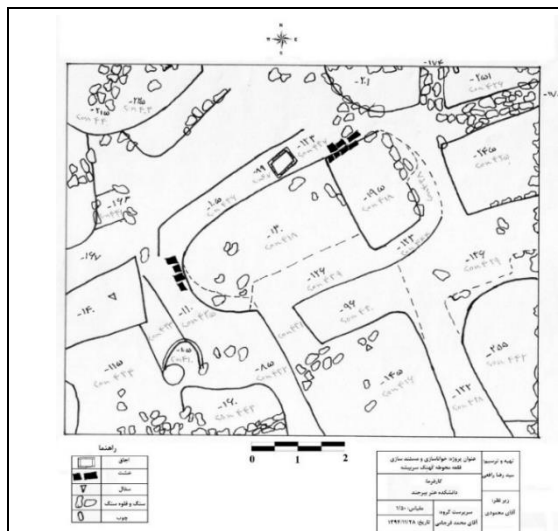


Figure 8. Plan of the late settlement period at the site



شکل ۱۰. پلان کلی گمانه فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک سرپیشه

Figure 10. General plan of Trench 3 from the third season of archaeological excavations at the Kabnek site, Sarbisbeh



شکل ۱۱. شروع فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک

Figure 11: Commencement of the third archaeological excavation season at Kabnek site



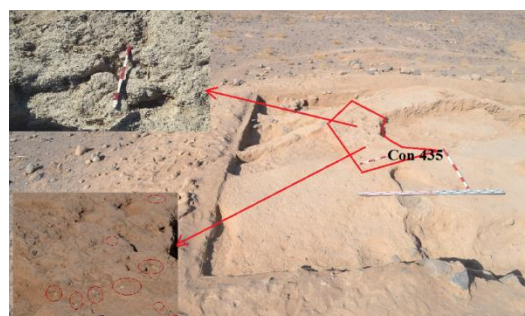
شکل ۱۲. قطعات سفال در محل کاوش

Figure 12. Pottery sherds/fragments at the excavation site



شکل ۹. موقعیت سازه‌های معماری در سطح گمانه / دید شمالی- شرقی بعد از کاوش

Figure 9. Position of architectural structures at the trench surface / Northeast view after excavation



شکل ۱۳. خشت خام و ذرات گچ در ملاط

Figure 13: Mudbrick and gypsum particles in mortar



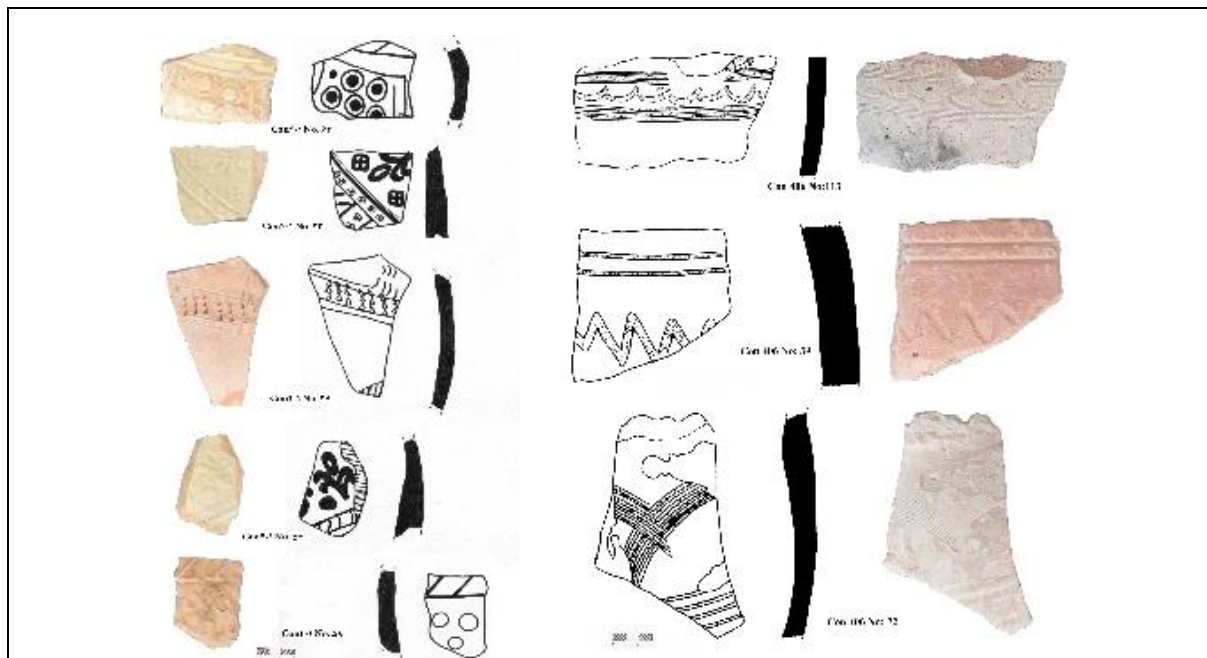
شکل ۱۴. اجاق

Figure 14. Hearth



شکل ۱۵. بخشی از تیر چوبی کشف شده و استحکام بخشی آن

Figure 15. Section of the discovered wooden beam and its reinforcement



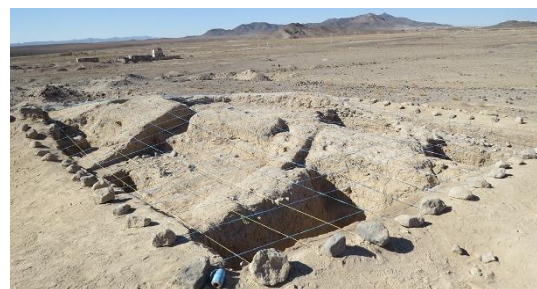
شکل ۲۲. طراحی مواد منقول فرهنگی محوطه تاریخی مورد مطالعه

Figure 22. Design/Illustration of cultural movable artifacts from the studied historical site



شکل ۲۴. حفاظت موقت گمانه بعد از کاوش

Figure 24. Temporary conservation of the trench post-excavation



شکل ۲۳. شبکه‌بندی محوطه بعد از کاوش جهت برداشت پلان

Figure 23. Grid system established on the site post-excavation for plan mapping



شکل ۲۵. پرکردن گمانه بعد از کاوش

Figure 25. Backfilling of the trench after excavation

نمودارها: یافته‌های منقول فرهنگی حاصل از فصل سوم کاوش باستان‌شناسی محوطه کهنک
 Charts: Movable cultural findings from the third season of archaeological excavations at Konak site

